

نگاهی به سوابق سیاست توسعه طلبی روس ها قبل از کودتای ثور

(قسمت دوم)

پالیسی روسیه در مراحل اول بعد از انقلاب اکتوبر

سیاست بعد از انقلاب اکتوبر روسیه را میتوان در دو مرحله تحت مطالعه قرار داد. درین قسمت به مرحله اول بعد از انقلاب پرداخته و در قسمت بعدی به مرحله دوم یا تغییر این پالیسی بعد از استحکام پایه های قدرت دولت شورا ها خواهیم پرداخت. تغییرات عمده مرحله اول قرار ذیل بودند.

1. لغو قراردادهای استعماری امپراتوری تزاری

دولت جدید بلشویک ها از اسرار و قراردادهای خائینانه امپراتوری تزاری روس پرده برداشت ، و آنها را لغو نمود. درین جمله قرارداد ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه نیز که افغانستان را قلمرو نفوذ انگلیس ها شناخته بود، لغو شد. به گفته آرنولد توینبی (Arnold Joseph Toynbee) یکی از مورخین و مشاورین ارشد حکومت بریتانیا در امور بین المللی خصوصاً شرق میانه، تنها انگیزه که افغانستان تحت ساحت نفوذ انگلیس ها قرار داشته باشد، مؤقتاً برداشته شده و خطر فشار از شمال بر افغانستان رفع شد. لنین شخصاً در اعلامیه ای که در ۱۴ دسمبر ۱۹۱۷ به امضای او صادر شده بود، این عهدنامه را از اعتبار ساقط دانسته و تاکید کرد که هرگونه قراردادی که با استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و آزادی ایرانیان [و افغانها] مغایرت داشته و آن را محدود کند از این لحظه بی اثر و دیگر وجود خارجی که بتوان به آنها استناد کرد، نخواهند داشت (۱).

2. پشتیبانی از آزادی مسلمانان در قاره های آسیا و آفریقا

راپور ها و اخبار جنگ جهانی اول، فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری و سلطه خانواده رومانف، انقلاب فیروزی ۱۹۱۷ و تأسیس و اقدامات حکومت مؤقت کرنسکی (Kerensky)، و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه، و امضای معاهده صلح روسیه با آلمان (۲) قسماً از طریق مطبوعات سانسور شده هند بریتانوی به افغانستان میرسید و در سراج الاخبار ، که حیثیت ارگان نشراتی مشروطه طلبان و آزادیخواهان را پیدا کرده بود، منتشر میشد. چنانچه سراج الاخبار افغانیه متن تلگرام فرستاده شده کمیته ملی هند (مؤرخ ۲۲ اگست ۱۹۱۷) عنوانی مسلمانان روسیه را نشر کرد که در آن از مسلمانان روسیه بخاطر پشتیبانی شان از آزادی مسلمانان در قاره های آسیا، و آفریقا تشکر نموده و اقدامات حکومت مؤقت کرنسکی را در باره آزادی کشور های تحت ستم و تقبیح ادامه استنمار ۳۱۵ میلیون هندی های که توسط استعمارچیان بریتانوی صورت گرفته است، ستود .

لنین رهبر دولت جدیدالتاسیس روسیه بعد از احراز قدرت به تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۷ ضمن نشر ابلاغیه یی به اسم مسلمین دنیا اعلام نمود که عالم اسلام می تواند از حمایت انقلابیون روسیه استفاده نماید. انقلابیون روسیه با کمال جدیت برای آزادی ملل اسلام کوشش خواهند کرد. لنین می افزاید که: در این موقع که حتی مسلمانان هند تحت ظلم و ستم بیگانه کوبیده شده اند، بر ضد استعمارگران به پاخاسته اند، نباید ساکت نشست، فرصت را غنیمت شمارید و دشمن را از کشور خود دور اندازید. ما زیر بیرق خود ملل مظلومه را برای استخلاص جای می دهیم . ای مسلمانان روسیه، ای مسلمانان مشرق زمین، در این راه تجدید حیات عالم، از جانب شما انتظار هم عقیدگی و مساعدت را داریم (۳).

3. پشتیبانی از پان اسلامیزم بحیث یک نهضت انقلابی

افغانستان یکی از اولین کشور های شرقی بود که از ستم استعمار آزاد گردیده بود. لنین، رهبر جمهوری شورا ها که به استقرار و گسترش روابط با افغانستان توجه شایانی داشت، به تاریخ ۲۷ نومبر ۱۹۱۹ طی نامه شخصی به غازی امان الله شاه نوشت که «افغانستان یگانه کشور مستقل مسلمان در جهان است، مردم آن وظیفه بزرگ تاریخی دارند تا متحداً در آزاد ساختن مسلمانان کار کنند. و آنانرا به شاهراه آزادی و استقلال رهنمایی کنند(۴)».

گریگوریان وارتن به قول از منا بیندرا ناتھ رای M. N. Roy ، یکی از انقلابیون هندی ایکه به لنین نزدیک بود، مینویسد که لنین به جنبش های آزادیبخش مستعمرات به رهبری بورژوازی ملی از نگاه تاریخی به دیده نیروی انقلابی مترقی میدید. درین رابطه ، حتی پان اسلامیزم جنبش انقلابی تلقی شده و سزاوار پشتیبانی جنبش جهانی کمونیستی بود. به گفته وارتان لینن حتی امان الله خان را تشویق نمود تا رسیدن به پان اسلامیزم بحیث یک هدف ادامه دهد (۵).

4. حمایت از حق استقلال و حاکمیت افغانستان

معاهده صلح "برست لیٹوفسک" میان دولت شوروی و دولت آلمان از حق حاکمیت و استقلال افغانستان جانبداری کرد. در فقره هفتم معاهده مذکور ذکر شده بود که «دولت های ایران و افغانستان هر دو مستقل اند. ضمیمه هیچ دولت دیگری نمی شوند. و دول امضاءکنندگان صلح موظفند که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و افغانستان را محترم شمارند (۶)».

سراج الاخبار ضمن اظهار امتنان از دولت های آلمان، اتریش، مجارستان، ترکیه، بلغارستان و روسیه، تصدیق، قبولی و محترم شمردن استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت و ملکیت تمامه افغانستان، ازین معاهده استقبال کرد. قابل یادآوریست که این تحولات که هدف آشکار آن صلح طلبی و ضدیت با امپریالیزم بود، اثر خود را بر ملی گرایان، روشنفکران و استقلال طلبان افغان و آزادی خواهان هندداشت. اما برخلاف آنچه برخی از مؤرخین خصوصاً مؤرخین روسی بصورت مبالغه آمیز مینویسند، این معاهده و تأثیرات انقلاب اکتوبر روسیه هرگز محرک اصلی مبارزات استقلال طلبی در افغانستان و عامل مهم و اثرگذار در سلطنت امان الله خان و اعلان استقلال نبوده است.

برسمیت شناختن استقلال افغانستان اولتر از همه توسط روسیه، و از بین رفتن خطر تهدید از شمال از یکطرف و دشمنی مشترک با انگلیس ها از طرف دیگر بر افکار غازی امان الله خان در رابطه با استقرار روابط دیپلماتیک و دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی تأثیر داشت.

5. آغاز مناسبات دیپلماتیک

دولت جدید افغانستان تحت قیادت غازی امان الله خان برای معرفی ویر قراری روابط دیپلماتیک با کشور های آزاد جهان، حتی قبل از آنکه انگلیس ها مجبور شوند آزادی کامل افغانستان را به رسمیت بشناسند، ضمن ارسال مکاتیبی به کشور های متعدد جهان استقلال کشور را اعلام نمود.

چون هر دو کشور افغانستان و روسیه به استقرار و گسترش روابط ضرورت داشتند، یعنی هم امان الله خان به یک متحد در برابر بریتانیا نیاز داشت، و هم روسیه شوروی می خواست به هر قیمتی که باشد دشمن خود، بریتانیای کبیر، را تضعیف نماید، و در برابر این دشمن مشترک (انگلیس) به دوستی و اتحاد افغانستان نیاز داشت؛ روسیه یکی از اولین کشورهای بود که به تاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ رسماً استقلال بی قید و شرط افغانستان را به رسمیت شناخت.

امان الله خان به تاریخ ۷ اپریل ۱۹۱۹ مکتوبی به لنین فرستاده نوشت که «دولت افغانستان که تا حال بنا بر بعضی عوارض از شرف مخابرات و مکالمات و مناسبات با دولت های معظمه و ملت های مکرمه هم نوع خود برکنار مانده بود... این نخستین دفعه است که بنام ملت مستعد باتکامل افغان از طرف دولت مستقل و آزاد افغانستان با ارسال این نامه و دادیه خودم را بختیار می شمارم (۷)»

لنین به تاریخ ۲۲ می ۳۱/۱۹۱۹ ماه ثور ۱۲۹۸ در پاسخ به مکتوب امان الله خان نوشت: «خدمت جلالتمآب اعلیحضرت امان الله خان امیر مملکت افغانستان ادام الله اقباله العالی. نخستین نامه از طرف ملت مستقله افغان که مشتمل بر درود دوستانه به ملت روس و خبر دهنده از جلوس آن اعلیحضرت بر اورنگ تاجداری مملکت افغانستان بود بما رسید. در جواب آنطرف حکومت کارگران و کشاورزان و از طرف عموم اهالی روسیه به فرستادن این نامه که مشتمل سلام دوستانه است به ملت آزاد و مستقل افغان که آزادی خود را با کمال دلآوری از تسلط جبین خارجه مدافعت کرده است، مبادرت می نمائیم... اراده آن اعلیحضرت را در عقد مناسبات دوستانه با اهالی روسیه با کمال خوشی استقبال کرده از آن اعلیحضرت خواهش میکنیم که نمایندگان حکومت کارگران و کشاورزان را به شهر کابل روانه نمائیم. برقرار شدن مناسبات دیپلماتی فمابین دو دولت بزرگ روس و افغان باعث خواهد شد که این دو ملت دست یاری و معاونت به همدیگر داده هرگونه سؤ قصدی را که از جانب غارتگران خارجه بر آزادی و ملل آنها واقع شود، دفع و برطرف نمایند.»

برقراری مناسبات دیپلماتیک بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی روسیه شوروی ضربه مستحکم و حساسی بود که بر مواضع دشمن مشترک شان، بریتانیا، وارد شد (خوانندگان محترم میتوانند تلاش ها و توطئه های انگلیس در برهم زدن این مناسبات را در مقاله از همین قلم تحت عنوان «توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی (قسمت شانزدهم)» در همین سایت و زین افغان جرمن آنلاین مطالعه کنند).

براوین، دیپلمات پیشین روسیه تزاری که برای مدت طولانی در ایران کار کرده بود و چندین زبان شرقی را می دانست و در اوضاع سیاسی در شرق میانه خوب وارد بود، بحیث نخستین دیپلمات شوروی به کابل تعیین شد.

یوری تیخانف استاد شرق شناسی پوهنتون علوم فدراسیون روسیه، به گواهی اسناد آرشیفی روس، براوین و مولوی برکت الله، صدراعظم حکومت موقت هند در کابل، را که در ماه مارچ ۱۹۱۹ در تاشکند ملاقات کرده بودند، از پیشاهنگان مناسبات افغانستان و شوروی میدانند. او مینویسد که «به گمان غالب آن ها مهم ترین مسایل را به بررسی

گرفتند. روشن است، برکت الله و براوین بستن قرار داد آینده نظامی میان افغانستان و شوروی را چون صحنه تازه بی از «بازی بزرگ» در آسیای میانه ارزیابی می کردند. چنانچه براوین در یکی از نامه های خود به کمیساریای خلق در امور خارجی نوشت: «تاریخ روسیه ثبوت تردید ناپذیری منبی بر تمایل راسخ و از پیش تعیین شده روسیه به سوی خاور و به ویژه به سوی آسیای میانه و هند در دست ما می دهد. دست سرنوشت روسیه تزاری را به سوی هند کشانید و همان دست امروز روسیه شوروی را بدان سو می کشاند. همو در هند باید مسایل جهانی فیصله شود و این مسایل با برخورد روسیه با انگلیس حل می گردد» (۸).

برکت الله یکی از شخصیت های معروف آزادیخواهان هندی بود که در جریان مبارزات خود، بخصوص در روابط افغانستان و روسیه شوروی و مردم آسیای میانه نقش مهم داشت. محققین روسی باستناد اسناد آرشیف دولت ترکستان روسی مینویسند که برکت الله قبل از رسیدن محمد ولی خان به مسکو، وظایفی را در چوکات یک هیئت غیر رسمی از سوی شاه افغانستان داشت و در پی جستجو و جلب طرفداری برای افغانستان بوده است، که در آن دوران این اقدامات در لفاف مخالفت با دشمن مشترک انگلیس عنوان میشد. وی به تاریخ ۶ ماه می در یک مصاحبه با راپورتر ایزویستیا اعلان کرده بود که او نه یک کمونیست است و نه یک سوسیالیست، بلکه یک وطنپرست و نشنلست آسیایی است که میخواهد بریتانیا از آسیا خارج ساخته شود و اظهار کرد که روس ها و نشنلست های آسیایی باهم متحدین طبیعی میباشیم. ایزویستیا در همین شماره نوشت که او بحیث یکی از اشخاص بسیار مورد اعتماد امیر جدید بمنظور استقرار مناسبات دائمی با روسیه شوروی، بحیث سفیر فوق العاده به مسکو فرستاده شده است (۹).

برکت الله به تاریخ ۲۲ ماه اپریل ۱۹۱۹ در نخستین یادداشت گزارشی خود به لنین پیشنهاد کرده بود که حکومت بلشویکی در مبارزه با دشمن مشترک بلشویسم و اسلام (انگلیس) تسهیلات ارزشمندی را به افغانستان ارائه نماید. او پیشنهاد نمود تا با امیر جدید افغانستان برضد «تسلط انگلیس بر هند» پیمان نظامی ببندد و خواهش کرد یک ملیون پوند استرلنگ و جنگ افزار برای آماده سازی جنگ با انگلیس به دسترس کابل بگذارد (۱۰). برکت الله میخواست که فعالیت های آسیای میانه را با جنبش ترقی خواهی و ضد استعماری افغانستان مرتبط سازد.

6. تعیین نماینده کل اختیار شوروی برای سراسر آسیا در کابل

اتحاد با افغانستان برای تحکیم موقف بلشویک ها در «چهار راه آسیا» ارزش خاص داشته و به گفته تیخانف برای روسیه شوروی دورنمای دارای مقیاس جهانی را می گشود. او میگوید که لنین یک چنین وظیفه پر مسئولیت بستن پیمان اتحاد با افغانستان را تنها می توانست به یک شخص مورد اعتمادش- به یک حزبی آزموده شده بسپارد. چون براوین چنین کسی نبود (۱۱)، از این رو، در کرملن تصمیم گرفتند او را از کرسی نماینده تام الاختیار در کابل تبدیل نمایند. به تاریخ ۲۳ جون ۱۹۱۹ یک بلشویکی قدیمی با استاژ پیش از انقلاب- یاکف (یعقوب) سوریتس به کابل فرستاده شد.

در اعتمادنامه سوریتس، که توسط لنین و قره خان معاون کمیساری خلق در امور خارجه امضا شده بود، آمده بود: «از نام حکومت کارگری- دهقانی جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه شوروی، از سوی شورای کمیساریاهای توده یی رفیق سوریتس... به عنوان سفیر فوق العاده و نماینده تام الاختیار روسیه شوروی در آسیای میانه گماشته می شود و وظایفی که به وی سپرده می شود، [تامین] مناسبات دیپلماتیک با خلق های مستقل بلوچستان، خیوه و بخارا و خلق های هند، کشمیر و تبت که به خاطر آزادی می رزمند، است. به رفیق سوریتس از سوی حکومت کارگری- دهقانی صلاحیت داده می شود مناسبات مستقیمی با کشورهای موجود و حکومتات رو به شکل و همه سازمان های انقلابی دارای هدف رهایی خلق های آسیای میانه از تصاحب خارجی؛ برپا نمایند. او صلاحیت دارد نمایندگان خویش را خود بگمارد. وارد گفتگوهای مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق نمایندگان خود شود و موافقت نامه ها و اسنادی را از نام حکومت کارگری- دهقانی با تایید حکومت مرکزی در مسکو با آن ها امضاء نماید» (۱۲).

7. معاهده افغانستان و شوروی

اولین معاهده بین افغانستان و شوروی بتاريخ دهم ماه حوت ۱۲۹۹ شمسی مطابق به ۲۸ ماه فیبروری سال ۱۹۲۱ میلادی به امضا دو طرف رسید. به موجب این معاهده طرفین استقلال یکدیگر را به رسمیت شناخته و متعهد شدند که با هیچ دولت ثالثی در موافقت نامه ای نظامی و سیاسی که ضرر به یکی از طرفین معاهده برسد، وارد نشوند.

به اساس فقره ششم این معاهده روسیه ترانزیت آزاد و بی محصول اموال ادارات دولتی افغانستان را چه در خود روسیه و چه بلاواسطه در خارج از روسیه خریداری شده باشد، قبول کرد.

در این معاهده دولت روسیه متعهد شد که سرزمین های را که در منطقه مرزی در قرن گذشته متعلق به افغانستان بوده است به این کشور باز گرداند. و به دولت افغانستان کمک نقدی و مادی نماید.

درین معاهده طرفین آزادی ملل مشرق را باساس خودمختاری و بموافقت خواهش عمومی هر ملت ملل آن قبول نموده و در فقره هشتم آن استقلال و آزادی حقیقی دولت بخارا و خیوه را بهر طرز حکومتی که بموافق خواهش ملل آنها باشد، قبول کردند.

(قسمت سوم و آخر ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

1. مقاله لغو قراردادهای استعماری علیه ایران توسط بلشویکها در سایت های مختلف انترنت .
2. قرارداد ۱۵ دسامبر سال ۱۹۱۷ میلادی بلشویک ها در رابطه با ترک مخاصمه با امپراتوری های آلمان و اتریش که در منطقه برست لیتوفسک امضا شده و بنام قرارداد صلح برست لیتوفسک معروف است.
3. طبیبی، لطیف، در آینه تاریخ : نگاهی به اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی
4. Gregorian, Vartan. (1969). The emergence of modern Afghanistan; politics of reform and modernization, 1880-1946. (ظهور افغانستان مدرن) ، ص ۲۳۲.
5. همانجا.
6. سراج الاخبار افغانیه، شماره ۲۳ سال هفتم، به حواله پوهاند سید سعدالدین هاشمی
7. مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی در سال های ۱۹۱۹-۱۹۳۹ چاپ کابل - ص ۲، به حواله سید رسول (۱۳۷۸)، ص ۵۳.
8. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰) ، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون) ، ص ۶۳
9. هاشمی، سید سعدالدین (۲۰۰۴)، ص ۱۸۴.
10. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰) ، ص ۶۲
11. براوین، در ماه جنوری ۱۹۲۰ کناره گیری کرد و از بازگشت به میهن خود داری ورزید و پس از چندی به گونه مرموزی کشته شد.
12. مناسبات افغانستان و شوروی، ۱۹۱۹-۱۹۶۹، مسکو، ۱۹۷۱، صص ۱۳-۱۴.